



بیانیه مشترک هیجده (۱۸) نهاد چپ و دمکراتیک به
مناسبت ۲۵ نوامبر، روز جهانی مبارزه با خشونت بر
زنان!

خشونت علیه زنان باید پایان یابد!

برابری جنسیتی، تنها از طریق یک مبارزه اجتماعی میسر است!

آنچه به زمینه سازی «روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان» بر می گردد، ترور سه خواهر پاتریا، مینروا و ماریا ترزا میرابل از مبارزین فعال علیه دیکتاتوری رافائل تروخیلو در جمهوری دومینیکن مربوط می شود. دو دهه پس از این ترور، گروهی از فمینیست‌های آمریکای لاتین این روز را روز مقابله با خشونت علیه زنان نامیدند. مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۹۹ طی قطعنامه‌ای ۲۵ نوامبر را به عنوان روز جهانی منع خشونت علیه زنان تصویب کرد.

قوانین زن ستیز و خشونت آمیز علیه زنان، حرمت انسانی، حقوق اولیه و پایه ای نیمی از جمعیت جامعه را که زنان باشند، زیر سؤال می برند.

قتل‌های "ناموسی"، یکی از وحشیانه ترین و افراطی ترین شکل‌های خشونت است که همواره زندگی و هستی زنان را در معرض نابودی قرار می دهد. جامعه ای که بر مبنای مرد سالاری باشد، زن به عنوان شهروند درجه دوم قلمداد می شود، در چنین جوامعی، قوانینی را وضع می کنند که برای پاسداری "ناموس و شرف زنان، نگهبانانی همچون شوهر، پدر، برادر و یا مردی از خانواده بالای سرشان باشند. در بسیاری از جوامع، نافرمانی زن از مرد به هر شکلی با مجازات شدید همراه بوده و در بسیاری از مواقع مرگ را نیز به دنبال دارد.

اکثر قتل‌های ناموسی در ممالک و جوامعی به وقوع می پیوندند که اسلام در آنها، دین رسمی باشد. در ممالک اسلامی این جنایات از قوانین پوشیده و ارتجاعی آن نشئت می گیرد. به عنوان مثال می توان از کشورهایی مثل الجزایر، بحرین، مصر، ایران، افغانستان، عراق، یمن، اردن، ترکیه، سودان، عربستان سعودی، سنگاپور و... نام برد.

خشونت بر زنان در جامعه بورژوازی و مردسالاری در بسیاری موارد از طرف زنان به علت مجازات های سخت و عدم حمایت های قانونی از ابراز آن خودداری شده و پنهان می ماند. نظام حاکم، نظامی خشونت را و نابرابر است. نظامی است که هر روز با استثمار فرد از فرد و حفظ مالکیت خصوصی برای حفظ منافع طبقاتی خود، ستم و خشونت را تولید و بازتولید می کند. خشونت یک پدیده جهانی است و مختص به یک منطقه جغرافیایی نیست. هر روز ما شاهد بروز خشونت های دولتی و سازمان یافته، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و قومی هستیم.

تبلیغ و ترویج خرافه های مذهبی و فرهنگی به عنوان ابزاری در دست طبقات حاکم که بیشترین کارایی را در تحمیل توده ها داشته و دارد، نقش اساسی در اعمال خشونت علیه زنان را ایفاء می کنند. مسئله چند زنی و صیغه در اسلام یا ختنه، وسیله قرار دادن زنان برای پایان جنگ ها و دعوای قبیله ای و قومی و حجاب اجباری و نداشتن حق انتخاب همسر و یا سقط جنین و ... همه از نموده های بارز تاثیر مذهب و خرافه های فرهنگی در ایجاد خشونت های جنسیتی است. ازدواج موقت در جوامع اسلامی که در واقع نوعی تجاوز رسمی و قانونی می باشد، به یک شغل برای زنان کم درآمد تبدیل شده است. علت اصلی تن دادن زنان به این ازدواج، بیکاری و مشکلات اقتصادی، عدم حمایت مالی می باشد.

در کشورهای مسلمان که اسلام سیاسی در قدرت است و نیروهای مرتجع و واپسگرا دست بالا را دارند، خشونت علیه زنان را در قالب قوانین ضد انسانی سنگسار، اعدام و شلاق و ... می بینیم. علاوه بر تجاوز و قتل های ناموسی، بی حقوقی های اجتماعی دیگری مانند نداشتن حق طلاق و حضانت کودکان، خودسوزی، خودکشی... از زمره خشونت هایی هستند که هر روزه در ایران، افغانستان، عراق و کشورهای عربی... به زنان تحمیل می شوند. جنگ های موجود در خاورمیانه اولین قربانیان خود را از میان زنان و کودکان می گیرند، این زنان و کودکان هستند که همیشه مورد تجاوز جنسی نیروهای نظامی فاتحین!! واقع می شوند. میلیون ها زن محروم از ابتدایی ترین حق و حقوق، در خدمت کارفرمایان و صاحبان سرمایه و سوددهی در گوشه های مختلف دنیا به کار گمارده می شوند، کار فرمایان با استثمار زنان کارگر در عرصه تولید با حقوقی بسیار نازل به انباشت سرمایه و سود آوری بالایی دست می یابند.

پدیده خشونت بر زنان جزء لاینفک نظام های سود جوی حاکم است که به امری جهانی تبدیل شده و هیچ مرزی، ملیتی، نژادی از آن در امان نیست.

در ایران با اجرای قوانین ضد زن ارتجاع اسلامی، زنان به طور دائم در معرض این خشونت ها قرار گرفته و قوانین زن ستیز در مورد آن ها به اجرا در می آیند. زنان ایران در تمامی سال های سیاه حاکمیت ضد زن، از فردای قیام بهمن تا به کنون، علیه نظام زن ستیز اسلامی و تمام قوانین ارتجاعی آن درگیر مبارزه ای مداوم و پیگیر می باشند. در این راستا زنان ایران تا به حال بهای سنگینی، از قبیل تبعید، زندان، تجاوز، شکنجه، و اعدام برای آن پرداخته اند.

رژیم اسلامی ایران در دوران جنبش توده ای و انقلابی « زن، زندگی، آزادی »، اعمال خشونت بر زنان را به کمک سپاه، بسیجی ها، لباس شخصی ها و گشت ارشاد و حجاب بانان چند برابر کرده است. مرگ ژینا امینی، آرمیتا گراوند، حدیث ها و نیکا ها و بیشمارانی دیگر، اسید پاشی به روی زنان و مسموم کردن دانش آموزان دختر در مدارس و خوابگاه ها، به زندان کشاندن چندین باره سپیده قلیان و در ممنوع الملاقاتی قدیمی ترین زندانی سیاسی زن، زینب جلالیان که شانزده سال است در زندان به سر می برد و به علت شرایط وحشتناک زندان با مشکلات کلیوی و چشمی مواجه هست، نمونه هایی از جنایات حکومت اسلامی هستند.

در سیستم قضایی اسلامی ایران، زنان از حق قضاوت محروم هستند و حق ارثیه زن نصف مرد هست، با این همه زنان در چارچوب یک جنبش اجتماعی، نقش کلیدی و اساسی مبارزاتی ایفا نموده اند و به عنوان یک بخش عظیم نیرو در این جنبش توده ای در سمت و سو دادن آن تا جایی پیش رفته اند که با قرار گرفتن در کنار جنبش های اجتماعی دیگر کلیت نظام حاکم را زیر سوال برده اند.

بدیهی است به نسبتی که زنان در یک جامعه توانسته اند با مبارزات پیگیر خود پیشروی نمایند و به درجاتی از حقوق خود برسند، از میزان قتل های ناموسی و خشونت علیه زنان کاهش یافته است. اما رهایی و برابری کل زنان زمانی تضمین خواهد شد، که به مالکیت و روابط کالایی در جامعه خاتمه داده شود. و زن که در این روابط به عنوان کالا تحت هر قساوت و مبادله ای قرار می گیرد، بتواند به عنوان یک انسان به آزادی کامل دست یافته و برای همیشه از روابط اجتماعی نابرابر رها شود. فراموش نکنیم که معیار آزادی هر جامعه ای، با میزان آزادی زنان، پیوند ناگسستنی دارد!

● خشونت علیه زنان مانع دستیابی به برابری در جامعه در مفهوم حقوقی،

اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است.

● خشونت علیه زنان باعث آسیب جسمی، جنسی و روانی می شود.

● خشونت چه عریان و چه پنهان، هر دو محکوم است.

برای دنیایی عاری از خشونت علیه زنان، برای برابری جنسیتی به پا خیزیم

۲۳ نوامبر ۲۰۲۳

امضای نهادهای چپ و دمکراتیک:

- ۱ - انجمن دفاع از زندانیان سیاسی-عقیدتی در ایران - پاریس
- ۲ - انجمن پناهندگان ایرانی گوتنبرگ- سوئد
- ۳ - انجمن سوسیالیستها در سوئد
- ۴ - اتحاد چپ ایرانیان - واشنگتن
- ۵ - شورای همبستگی با مبارزات مردم ایران - لندن
- ۶ - شورای همراهی با آلترناتیو کارگری
- ۷ - فدراسیون اروپا - بلژیک
- ۸ - کانون پشتیبانی از مبارزات مردم ایران- وین
- ۹ - کانون همبستگی با کارگران ایران - گوتنبرگ
- ۱۰ - کانون همبستگی با مبارزات کارگران در ایران - فرانکفورت
- ۱۱ - کمیته دفاع از مبارزات مردم ایران - سوئیس
- ۱۲ - کمیته همبستگی کارگران ایران و سوئد
- ۱۳ - کمیته همبستگی با جنبش کارگری ایران- استرالیا
- ۱۴ - کمیته همبستگی با مبارزات جاری در ایران - استکهلم
- ۱۵ - نهاد همبستگی با جنبش کارگری در ایران (غرب آلمان)
- ۱۶ - همبستگی با مبارزات مردم ایران - لندن
- ۱۷ - همبستگی با مبارزات مردم ایران - سوئیس
- ۱۸ - همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران-فرانسه